

**مقدمه :**

از چند سال قبل که برادر ارجمند جناب حجت الاسلام و المسلمین سید محمد رضا واحدی و والد معظمشان حضرت آیت ال... واحدی اینجانب را برای جلسه ای که بمنظور بررسی چگونگی احیاء بقعه مبارکه حضرت سکینه (ع) دعوت کردند به میدانی پا گذاشتم که زمینه را برای نوکری و خدمتگزاری اهل بیت (ع) فراهم میکرد. و امروز از این توفیق حاصل شده خدای بزرگ را سپاسگزارم واز آن برادران نیز تشکر می نمایم. اما آنچه که برای اینجانب بعنوان یک دانشگاهی اهمیت داشت مستند بودن وجود بانوئی بنام حضرت سکینه (ع) بعنوان فرزند حضرت علی و زهرا (ع) بود.

با توجه به مطالعات گسترده تاریخی که در مورد اهل بیت (ع) داشتم و چگونگی برخورد تاریخ و تاریخ نویسان با اهل بیت آشنا بودم با مطالعه چند کتاب موجود در مورد بانوئی بنام حضرت سکینه (ع) برایم روشن شد و دلیلی هم برای نفی آن وجود نداشت اما در اینکه آیا محل دفن آن حضرت که آیا محل اعلان شده است یا خیر، احتیاجی به اثبات علمی نداشتم چرا که قبر تعداد قابل توجهی از فرزندان معصومین که وجود آنها قطعی هم بوده است نظیر حضرت زینب، حضرت احمد بن موسی، و یا حضرت رقیه نیز نوعاً بر اثر کرامات خاص آنها مشخص شده است

و لذا اثبات علمی آن نه ممکن و نه لازم است. البته هستند تعداد زیادی از فرزندان ائمه که اثری از مرقد آنان نیست. هر چند آنچه که در تاریخ داریای دمشق وجود دارد بیانگر این واقعیت که این مرقد میتواند قبر حضرت سکینه (ع) باشد.

اما با وارد شدن در مجموعه خادمان این حرم شریف عشق و علاقه وافر شیعیان سراسر جهان به این مرقد مطهر باعث شد که تلاشهایی در زمینه معرفی آن بزرگوار انجام شود و بویژه برای زائران ایرانی تدارکات بیشتری انجام شود که برخی انجام و برخی در حال انجام است.

یکی از مواردی که بیشتر زوار ایران اصرار داشتند در اختیار گذاشتن کتابی در معرفی آن حضرت بود که خوشبختانه چند کتاب در مورد معرفی آن حضرت نوشته شده بود و اما هنوز جای کار داشت.

آنچه که در این نوشتار می خوانید خلاصه ای است از معرفی حضرت سکینه (ع) دختر حضرت علی (ع) و حضرت زهرا(ع) و توجهی به روایات و احادیث و اخبار مربوط به آن حضرت است که در چند بخش آمده است. امید است این مختصر مورد قبول مادر آن حضرت فاطمه زهرا (س) و پدر بزرگوارشان حضرت علی (ع) و خود حضرت سکینه (ع) قرار گیرد. در این نوشتار از چند کتاب جزوه از جمله

- ۱- بانوی ناشناخته حضرت سکینه(ع) نوشته حضرت حجت الاسلام و المسلمین سید محمد رضا واحدی.
  - ۲- سکینه(ع) بنت علی نوشته عباس شومان و علی مرتضی (عربی)
  - ۳- السیده سکینه بنت الامام علی بن ابی طالب (ع) نوشته حسین الفاضلی (عربی)
  - ۴- السیده سکینه بنت الامام علی بن ابی طالب (ع) شیخ جعفر الهاجر (عربی)
  - ۵- السیده سکینه: حجت السلام سید احمد حسینی ایران
  - ۶- حضرت سکینه(ع) دختر امام علی .... محمدی اشتهرادی
  - ۷- زیارتگاه های سوریه - جعفریان -
- در میان کتابهای فوق کتاب سکینه دختر امام علی (ع) جناب آقای محمدی اشتهرادی با قلم بسیار شیوا وجود دارد که هر چند جالب اما کامل نبود. لذا بر آن شدم کتابی از مجموعه کتابهای موجود گرد آوری نمایم و در میان آنها کتاب آقای اشتهرادی را بعنوان مبنای کار گرفته بگونه ای که حتی بخشهای گرفته شده از آن کتاب را با حفظ قلم ایشان آوردم و از کتابهای دیگران از جمله جناب آقای سید محمد رضا واحدی و شیخ جعفر مهاجر و .... نیز استفاده شده است.
- امید است این کتاب بتواند برای زائران محترم در شناخت این بانوی بزرگوار مفید باشد.

در پایان از حضرت آیت الله سید احمد واحدی، حضرت آیت ا... شرعی، حجت السلام و المسلمین حاج سید محمد رضا واحدی که در نوشتن این سطور حمایت نمودند سپاسگزاری می نمایم و امیدوارم این نوشتار مورد قبول این بانوی مکرمه و اهل بیت شریف ایشان قرار گیرد و حقیر و پدر و مادر، همسر و فرزندانم را از شفاعت و همجواری با آن خانواده بهره مند نماید.

**محمد حسن شجاعی فرد**

**روز تولد امام رضا(ع)**

**کوثر فاطمه(ع):**

وقتی انسان آیات و روایات را در قالب کلمات مشاهده می کند نمیتواند آن باور قلبی عمیق را بجا گذارد. اما وقتی آثار این کلمات و حروف در زندگی طبیعی اعم از مادی و معنوی حس کرد، به میزان قدرت حواس و درک آنها اعتقاد قلبی تضمین می شود. در سیره پیامبران مختلف نوعاً شاهد معجزاتی بوده ایم که باعث شده اند سخن پیامبران بزرگ الهی را به اعماق جان و باور انسانها بنشانند و معجزه خود بهترین دلیل بر این مدعاست. کلمه کوثر در قرآن از کلماتی است که اکثر مفسرین آنرا با نام نامی حضرت فاطمه الزهرا(س) معادل میدانند چرا که شان نزول سوره مبارکه کوثر نیز در پاسخ به فردی است. که به حضرت رسول (ص) گفته بود که شما ابتر هستید ( بدون دنباله یعنی بدون فرزند پسر) نازل شده است و لذا قرآن میفرماید ما به تو کوثر عنایت کردیم و ابتر خود گوینده است.

اکثر مفسرین مشهور کوثر را که به معنی چشمه همیشه جاری است حضرت زهرا (س) نامیده اند. و بهمین دلیل است که بعد از ظهور اسلام در هر کجای از جهان اسلام که فعالیتها و نهضت های زیادی توسط باز ماندگان این شجره طیبه وجود داشته و نام نامی اسلام که با نام حضرت محمد آمیخته است توسط

فرزندان این مادر بزرگوار که پدرش ام ابیها نامید در عالم گسترش یافته است.

نگاهی به بقاع متبرکه در کشورهای اسلامی بیانگر این واقعیت است که هر کس نامش بنام و راه حضرت زهرا (س) ارتباط پیدا کرده است ماندگار و هیچ اثری از دشمنان آن حضرت وجود ندارد. چرا که این یک اصل قرآنی است که درآیه شریفه آمده است  
الویل

ما حق را به جان باطل انداختیم و باطل نابود شد چرا که باطل نابود شدنی و وای بر شما از چیزیکه توصیف میکردید. در این آیه شریفه کلمه به معنی نابود شدن است. در فارسی کلمه یعنی از کار افتادن و میگویند فلانی شد یعنی تفکرش بهم ریخت و لذا درمقابل اهل بیت همه آنها که ایستاده اند از بین رفته اند اما آثار وجودی اهل بیت و پیروان حقیقی آنها در همه تاریخ ماندگار شده است. به چند نمونه توجه فرمائید.

#### ۱- در کوفه

**الف-** مرقد مبارک امیر المومنین (ع) اول پنهان و پس از آشکار شدن بارها به آب بسته شد ولی امروز زیارتگاه بزرگی برای محبان آن حضرت است.

ب- خانه علی (ع) در کوفه در کنار مسجد کوفه نه تنها با باقی مانده است بلکه تقسیمات داخلی آن نیز نظر اطاق فرزندان و همسران و محل غسل حضرت پس از فوت و محل نشستن حسین در زمان غسل نیز باقی مانده است.

ج- مسجد کوفه که به نام علی (ع) همراه است در کنار خانه علی (ع) چنان مانده است که گوئی هنوز امیر المومنین (ع) در آن نماز می گذارد، قضاوت می کند از محل عبادت گرفته تا محل قضاوت کاملاً محفوظ مانده است.

د- مرقد مسلم ابن عقیل، مسلم که از یاران امام حسین (ع) که در کوفه به دست ابن زیاد شهید شد و اینک گنبد و بارگاه مفصلی دارد.

ه- هانی بن عروه که از یاران مسلم بود همراه او به شهادت رسید و مرقد او در کنار مسلم بن عقیل دارای گنبد و بارگاه است.

در این شهر نه تنها هیچ اثری از ابن زیاد و همدستان او و کسانی که با علی (ع) جنگیدند نیست بلکه از کاخ بزرگ کوفه مربوط به ابن زیاد جزء ویرانه ای که محل تجمع زباله است چیزی باقی نمانده است. هر چند مرقدهای دیگر نظیر مرقد میثم تمار و کمیل و .... نیز وجود دارد.

## ۲- کربلا

در سال ۶۱ هجری بیش از ۱۰۰۰۰ هزار نفر برای کشتن فرزندان حضرت زهرا (س) و پیروان آنها جمع شدند که در راس آنها عمر بن سعد و ابن زیاد و شمر بودند.

در این نبرد یک روزه همه فرزندان حضرت زهرا (ع) و یاران آنها شهید شدند و اکثریت قریب به اتفاق لشکر دشمن بویژه سران آنها زنده ماندند. اما از آن زنده های ظاهری هیچ خبری نیست، اما در کربلا غیر از بخشهای مختلف موارد زیر وجود دارد.

الف- مرقد مطهر امام حسین علیه السلام

ب- قتلگاه : محل به شهادت رسیدن حضرت امام حسین (ع)

ج- تل زینبیه : محلی که حضرت زینب (ع) ایستاد و شهادت امام (ع) را مشاهده نمود.

د- مرقد مطهر حضرت ( ابوالفضل(ع)) ( علقمه)

ه- محل افتادن دست راست حضرت عباس

و- محل افتادن دست چپ حضرت عباس

ز- خیمه گاه شامل محل خیمه های تک تک اهل بیت و یاران بزرگوار آنان و محل عبادات آنان در خیمه گاه

ح- مرقد حبیب بن مظاهر

ط- مرقد حرین یزید بن ریاحی (فرمانده ای که از لشکر عمر

سعد به لشکر امام حسین (ع) پیوست

ی- مرقد طفلان مسلم به عقیل

ک- مرقد سایر شهدای کربلا

اما از لشگر زنده مانده عمر سعد نه تنها هیچ جایگاهی و نامی برای فرماندهان آن وجود ندارد تا برسد به سیاهی لشکر و این در حالیست که جای افتادن دستهای حضرت عباس و جای ایستادن حضرت زینب در بالای قتلگاه زیارت گاه خاص و عام است و کسانیکه از این لشگر جدا شده و به لشگر امام حسین (ع) پیوسته اند نظیر حربن یزید ریاحی قبرش کاملاً مستقل و برقرار مانده است.

### ۳- شام (دمشق)

دمشق از شهرهایی است که معاویه بن ابوسفیان دشمن اهل بیت حدود ۵۰ سال در آنجا حکومت کرد و از اهل بیت کسی در آنجا نه تنها شناخته نبود بلکه به دستور معاویه همیشه در حال صب علی (ع) بودند. اما در همین شهر از معاویه بزرگ که حدود ۵۰ سال حکومت کرد هیچ اثری وجود ندارد و اگر سوال شود قبر معاویه کجاست بعضی قبرستان شهر را نشان میدهند یعنی باب الصغیر. از یزید پسر معاویه هم هیچ اثر و خبری نیست. اما از اسیران کربلا دختر سه ساله ای در خرابه شام شهید شد که امروز زیارت گاه همه محبان اهل بیت است. و آثار کوثر زهرا در این شهر عبارتند از:

- الف- مرقد حضرت زینب(س)
- ب- مرقد حضرت سکینه بنت امام علی (ع)
- ج- مرقد حضرت رقیه (ع)
- د- مقام راس الحسین ( در مسجد اموی)
- ه- محل قراردادن سر امام حسین ( مسجد اموی)
- و- محل نشستن اسرا در مسجد اموی
- ز- منبر امام سجاد (ع) در هنگام سخنرانی در مسجد اموی.
- ح- مقام راس الشهداء - محل دفن ۱۷ سر از شهدای کربلا که به شام آوردند از جمله حضرت عباس، علی اکبر، قاسم، حر، حبیب ابن مظاهر، عون، جعفر، زهیر، بریر و ....
- ط- محراب حضرت سجاد (ع) در محل راس الشهداء
- ی- حجرین عدی و فرزندان شهدای یاران او
- اما یک نکته بسیار عجیب که نشان میدهد حق در هر کجا باشد ماندگار است، مسئله معاویه دوم است، که فرزند یزید است بعد از یزید بن معاویه، معاویه بن یزید بنام معاویه ثانی به خلافت رسید. این خلیفه بر خلاف پدر بزرگش که ۵۰ سال خلیفه بود بیش از ۵۰ دقیقه خلافت نکرد. چرا که پس از جمع شدن مردم به منبر رفت و گفت مردم پدر بزرگم و پدرم اشتباه کردند خلافت حق مسلم علی و فرزندان او بود و من حاضر نیستم آخرت خود را به دنیای دیگران بفروشم حتی مادرش او را نفرین کرد اما او با جدیت حرف خود را تکرار کرد و گفت برای خلافت به علی بن

الحسین مراجعه کنید و یا هر کس دیگر، که خود مایل هستید من این بار را روی دوش خود نخواهم گذاشت.

اما اگر از آن که معاویه ۵۰ سال خلیفه بود خبری وجود ندارد از معاویه ۵۰ دقیقه ای اثری هست. پشت مسجد اموی و درون یک کوچه مسجد کوچکی وجود دارد که درون آن قبری است و بالای درب آن مسجد نوشته شده است.

#### قبر معاویه بن یزید (معاویه ثانی) محب اهل بیت (ع) و

این مرقد نشان میدهد که محبان زهرا و فرزندان او ابدی خواهند بود. حتی اگر در خانه یزید بزرگ شده باشند چرا که است.

در همین جا لازم است مطلبی را از قول حضرت آیت ا... در

واحدی عرض کنم:

ایشان میفرمودند سال ۱۳۵۳ امام موسی صدر میهمان من در دمشق بودند، خواستند برای زیارتگاههای دمشق بروند بخش های مختلف را من معرفی کردم، من جمله باب الصغیر، امام موسی صدر گفتند مرحوم شرف الدین معتقدند هیچ قبری در قبرستان باب الصغیر معتبر نیست فقط بخش روس الشهداء که سرهای شهدای نامدار کربلاست و در مقابل قبرستان باب الصغیر است صحیح می باشد و بقیه هیچکدام مربوط به اهل بیت (ع) نیست. و محققى دیگرى گفت قبور باب الصغیر نوعاً مربوط به خانواده های سلاطین عثمانی حاکم در دمشق بوده است که قبر بسیاری از آنان نیز کاملاً

مشخص است. از طرف دیگر قبرهائی که نام آنها که در باب الصغیر ذکر شده که قبر آنها در جای دیگری مشخص و معین است. نظیر قبر عبدا.. جعفر که در بقیع است و یا حضرت سکینه بنت الحسین (ع) که سالیان دراز عمر کردند (۹۰ سال) و در بقیع دفن شدند. لذا زوار محترم به این نکته توجه داشته باشند.

#### ۴- مشهد:

مرقد مطهر حضرت ثامن الحجج حضرت علی بن الموسی الرضا، زیارتگاه همه شیعیان جهان است و بنا به آمار موجود اخیر فقط در ۱۵ روز تعطیلات نوروز حدود ۴ میلیون زائر به مشهد مسافرت می کند، در حالیکه جمع مسافران کلیه شهرهای دیگر ایران به این عدد نمی رسد. جالب است بدانید که در کنار مرقد حضرت امام رضا(ع) قبر مامون عباسی هم است و مردم در سالهای گذشته که اطراف ضریح اصلاح نشده بود وقتی به محل باریک اطراف حرم می رسیدند میگفتند لعن به مامون الرشید، هم اینک کمتراکی توجه دارد که حتی قبر مامون هم در کنار حضرت امام رضا است اما از خلیفه رسمی هیچ خبری نیست ولی بیش از هزار سال است که مردم از فیض مرقد نورانی این فرزند زهرا (ع) بهره مند می شوند.

این چند نمونه را بدین دلیل آوردیم که مرقد فرزندان زهرا(ع) در کنار مدفن خلیفهها و روسای وقت بوده است. و گرنه این نمونه ای

از دریای کوثر اقیانوس آثار حضرت زهرا (ع) و یاران آنها است  
 ملاحظه میشود که هم از غیر از اهل بیت خبری نیست.  
 لازم به ذکر است که به غیر از کاظمین و سامرا، مشهد، قم،  
 شیراز، کاشان حتی در مصر نیز مقام هائی بنام اهل بیت (ع)  
 وجود دارد و جای جای کشورهای اسلامی بویژه ایران اسلامی امام  
 زاده های بسیار زیادی وجود دارد که حکایت از کوثر بودن وجود  
 مبارک حضرت فاطمه زهرا(س) می باشد.  
 اگر این بزرگان سالها آثار و مرقدشان تحت تاثیر فشار دشمن  
 یا مسائل طبیعی پنهان بماند بالاخره بعد از مدتی آن مقام نمایان  
 خواهد شد. که قبر حضرت شاهچراغ، حضرت رقیه، حضرت سکینه  
 دختر امام علی (ع) از آن جمله اند.

#### امام زاده ها چشمه های ذلال معرفت

اگر در گوشه های مختلف ایران اسلامی توجه کنیم می بینیم  
 که در هر شهر، روستا و حتی دهکده های کوچک قبرهائی وجود  
 دارد که در افزایش بار معنوی افراد و ساکنان اطراف موثر است.  
 کمتر منطقه ای در ایران وجود دارد که آثاری از این قبور متبرکه  
 که وجود نداشته باشد. کمتر کسی هم در هنگام زیارت این قبور  
 به فکر این است که آیا واقعاً این قبر متعلق به کیست، جالب تر  
 اینکه اگر در جائی امامزاده یا قبر منسوب به ائمه خبری نباشد

روی قبر پیری یا مرادی و مرشدی و فرد با فضیلتی را بعنوان تبرک گنبد و یا مرقدی می سازند و افراد را به آن قبر ارجاع می دهند و معمولاً قبرستانها را در اطراف قبر این بزرگان می سازند اما قبرهای اطراف بارها تخریب شده اند ولی قیر آن پیر و مراد یا امامزاده کاملاً استوار مانده و توسط مردم نگهداری شده است.

### بقاع متبرکه در ایران

در ایران اسلامی به هر شهر و روستا که وارد شوید اولین چیزی که نظر شما را جلب می کند آدرس یک بقعه متبرکه است اینجانب همیشه بدنبال این بودم تا تحقیقی در این زمینه داشته باشم. خوشبختانه در راستای نوشتن کتاب حاضر مصمم شدم این کار را انجام دهم. لذا با استفاده از لیست اسامی بقاع متبرکه موجود در سازمان اوقاف و امور خیریه اینکار را انجام دادم و نکات جالبی بدست آورده ام. قبل از ورود به آن بحث لازم است چند نکته در مورد لیست اسامی موجود تذکر داده شود.

الف- اسامی شامل همه بقعه ها است یعنی هم نوادگان معصومین است هم بزرگان و حتی در مواردی معدود نام مساجد هم بنام بقعه آمده است.

ب- در مورد بعضی بقعه ها آدرس های نوشته شده جای تامل دارد نظیر بوشهر و ملایر.

ج- اکثریت بقعه ها فقط با نام است بدون نام پدر و یا مشخصات دیگر. نظیر موسی، حسین، ابراهیم، علی، قاسم و .... و لذا مشکل میشود از روی لیست تشخیص داد که این بقعه مربوط به کیست.  
د- یک بقعه بنام چند نفر هست مثلاً در یک بقعه بنام فضل - عباس - صالح است.

### اما نتایج حاصله از این تحقیق:

- ۱- تعداد بقعه های متبرکه بسیار زیادتر از حد تصور است بگونه ای که تعداد کل آن به حدود ۵۶۰۰ (۵۵۹۶) میرسد. که بیشتر آنها غیر از فرزندان و نوادگان معصومین هستند.
- ۲- توزیع بقاع متبرکه بیشتر در استانهای شمالی ( مازندران و گیلان) و استانهای جنوبی ( فارس) است. کمترین تعداد بقعه ها در آذربایجان شرقی و غربی است. از شهرها بیشترین بقعه ها در شهر رشت است. (۲۵۰ عدد)
- ۳- نام فرزندان امام موسی بن جعفر (ع) از همه فرزندان دیگر ائمه بیشتر است هر چند مثلاً امامزاده ابراهیم دلفان در لیست موجود نام پدرش نوشته نشده اما در فیلمی که از تلویزیون ایران پخش شد ایشان را فرزند موسی بن جعفر (ع) معرفی کردند. لذا اگر آنچه که این جانب شخصاً اطلاع داشتم و لیست اسامی ترکیب کنیم حدود ۵۰ بقعه مربوط به فرزندان مستقیم حضرت موسی بن جعفر

(ع) است و اگر به کل آنچه که در ایران است توجه کنیم بیش از ۱۰۰ مورد است.

۴- اگر چه تکرار نام عرفا و بزرگان عادی است اما تعدادی بقعه از امام زاده های مختلف بویژه مشهور در شهرهای مختلف است مثلاً الف- سید احمد بن موسی معروف به شاه چراغ در شیراز از بقعه های کاملاً شناخته شده است اما در شهرها و روستاهای زیر بهمین نام بقعه های وجود دارد.

تحت عنوان شاه چراغ

روستای عامری بوشهر	شاه چراغ
روستای نیاوند اردستان	شاه چراغ
روستای جایزان مسجد سلیمان	شاه چراغ
روستای رشم دامغان	شاه چراغ
روستای لواسانات تهران	شاه چراغ
روستای کنگان فسا	شاه چراغ
زرجان جهرم	احمد بن موسی (ع)
خفر جهرم	احمد بن موسی (ع)
شهر مرند	احمد بن موسی (ع)
روستای گرگان تفرش	احمد بن موسی (ع)
بوری آباد تربت حیدریه	احمد بن موسی (ع)

البته یا این نام در جاهای دیگر نیز بقعه وجود دارد که چون در لیست نام پدر نیامده بود ذکر نشد.

ب- فاطمه بنت موسی بن جعفر (ع) که مرقد مطهرشان در قم بنام حضرت معصومه مشهور است اما در کاشان و نجف آباد هم بقعه هائی به همین نام وجود دارد. (در کاشان خواهر شاه چراغ هم میگویند).

ج- در شهر شیراز سه بقعه بنام محمد بن موسی بن جعفر (ع) در سه محل ( خیابان نمازی، دروازه اصفهان، قصر الدشت) وجود دارد.

د- در شهر شیراز دو بقعه بنام فاطمه دختر امام حسن (ع) در دو منطقه از شهر وجود دارد.

ه- در شهرهای خرم آباد، بزم، زرنده، یاسوج، لازیجان بقعه بنام زیدین علی (ع) وجود دارد.

و- در تهران دو بقعه بنام امامزاده صالح است (تجریش و فرخ زاد)، در آمل سه بقعه بنام امامزاده صالح و در ساوه هم سه امامزاده صالح است.

ز- در چهار روستای ساوجبلاغ بقعه هائی بنام موسی و سلیم وجود دارد.

۴- در مواردی فقط نام امامزاده نیست فقط بنام دختر، دختران، یا پسر فلان معصوم هست، مثلاً

الف- چهل دختران : در کاشان ، فین کاشان ، مبارکه اصفهان ، پاکدشت ، دامغان ، بوشهر ، روستای انجدان اراک.

ب- چهل تن (چهل شهید) : در تهران ، رق آباد رفسنجان ، جزین  
سمنان ، نصرت آباد داراب ، گل بابا جان ممسنی ، کجور نوشهر ،  
سادات محله رامسر.

ج- هفتاد و دوتن در شرمیای محمودآباد ، ساروق اراک.

د- سی تن در جهرم (درهمین شهر (هشت تن نیز  
هست).

ه- هفده تن در گلپایگان

و- هفت تن در دماوند ، دامغان ، سپیدان ، شیراز ،  
گلچن ساری ، بابل ، لاریجان.

ز- هفت معصوم در سبزواری.

ح- هفت دختران در تهران

ط- پنج تن در آران کاشان ، لویزان تهران.

۶- در بعضی روستاها و شهرها بقعه هائی بنام خود معصومین است ،  
البته آنچه که در زیر آمده است غیر از ??? و مقامهای معصومین  
موجود در لیست است.

موسی بن جعفر(ع) سیمکان جهرم

موسی بن جعفر(ع) بهبهان

موسی بن جعفر(ع) طارم علیا زنجان

محمد تقی(ع) رباط کریم

محمد باقر(ع) کله سران زنجان

امام حسن مجتبی(ع) میناب ، روستای حاج خادمی

شاه نجف	حدول نو اقلید
امیرالمؤمنین علی(ع)	بوشهر
چهارده معصوم	خشت و کمارج کازرون
دوازده امام	شیراز سعد آباد زرند
۷- تعداد قابل توجهی بقعه بنام پیامبران در ایران است و جالبتر	
تکرار این بقعه‌هاست :	
الف- ایوب و یوشع	درقزوین
ایوب و یوشع	درشهرری
ایوب	در بجنورد
ایوب	در مرودشت ، روسنای چمنی
ایوب	در تنکابن
دانیال	درشوش ، (که این مرقد ظاهراً مرقد
اصلی است)	
دانیال	درتنکابن
دانیال	در شاهرود
دانیال	درجوشقان شیراز
دانیال	درگلپایگان
صالح(نبی)	درگلپایگان
صالح(نبی)	درگران ، آق قلعه
یحیی	در گلپایگان
ادریس	درحومه دزفول

ادریس	درلاریجان
یعقوب(نبی)	درگرگان ، آق قلعه
اسحاق نبی	در مرودشت ، کلمکاه
اسحاق	دزفول
سلیمان بن داود	آران کاشان
داود نبی	الیگودرز
لوط پیمبر	رباط کریم
نوح نبی	حجت آباد ممسنی
نوح نبی	ملایر
انوش بن شیث بن آدم	فلاورجان
اشموعیل نبی	ساوه
خالد نبی	گنبد کاووس
زکریای پیمبر	گرگان
شیث پیمبر	خندآب کرج
قبدار نبی	خدابنده قبدار
چهار انبیاء	قزوین

۸- وجود بقعه هائی از بزرگان شناخته شده اسلام در ایران است و  
تکرار هم شده است :

جابر بن عبدالله انصاری دزفول

جابر بن عبدالله انصاری	ایلام
مالک اشتر	بوشهر
مالک اشتر	یاسوج
ابراهیم مالک اشتر	الیگودرز
عبدالله بن جابر عبدالله انصاری جاده شیراز کازورن - روستای میان کتل	
محمد بن حنفیه	خارک
محمد بن حنفیه	سربند اراک
محمد بن حنفیه	لردگان شهرکرد
محمد بن حنفیه	قوچان
محمد بن حنفیه	عمارنو رشت
احمد بن محمد بن حنفیه کرون نجف آباد	
محمد بن جعفر طیار	دزفول
محمد بن جعفر طیار	طبس
علی بن جعفر طیار	قمصر

آنچه که باید در اینجا توجه نمود اینکه وجود حدود ۵۶۰۰ بقعه در ایران مطمئناً نمی تواند مربوط به معصومین و نواده های آنان باشد اما آنچه مسلم است همه این بقعه ها محل هائست برای توجه به معنویات و به اهل بیت و بزرگان و لذا نه تنها هیچ ضرورتی به رد هیچکدام از این بقعه ها وجود ندارد. بلکه ضرورتی به اثبات آنها هم نیست چرا که نفی برخی بقعه نظیر مالک،

جابر بن عبدالله انصاری، محمد بن حنفیه احتیاجی به زحمت زیاد؟؟؟ و اثبات بقیه هم ضرورتی ندارد نه ممکن و نه ضروری است چرا که در این دنیائی که همه انسانها به مادیات می خوانند و محل های رنگ و وارنگ برای جذب افراد به فساد حتی متدینین وجود دارد تنها همین امام زاده ها و مساجد هستند که می توانند محلی برای توجه به معنویات باشند. در اواخر سال ۴۷ در کلاس درس انشاء مرحوم جلال آل احمد یکی از نیمه کمونیستها در انشاء نوشته بود همه مشکل ما همین روحانیون هستند اگر این ها نبودند ایران گلستان بود، و... مرحوم جلال آل احمد انشاء خواندن او را قطع کرد و گفت صبر کن، آقا جان در این دوره و زمانه که مطبوعات، رادیو، سینما، دانشگاه هنر و ... مردم را به فساد دعوت می کنند اگر تو بخواهی این روحانیون را هم از صحنه حذف کنی چه کسی می ماند که مردم را به معنویت دعوت نماید و از ادامه انشاء آن فرد جلوگیری کرد. و دقیقاً بقعه های متبرکه نیز در هر شهر و روستا همین نقش را دارند.

یک نکته بسیار ظریف از عالم، عارف و مرجع بزرگ تقلید حضرت آیت .. العظمی سیدجمال گلپایگانی ( که انشاء... کتابی در مورد ایشان منتشر خواهم کرد) وجود دارد که بسیار جالب توجه است و اهمیت این فقیه را مشخص می کند.

حضرت حجت الاسلام و المسلمین امام جمعه محترم گلپایگان برای اینجانب نقل کردند که پدر (یا پدر بزرگم تردید از من است )

در نجف خدمت حضرت آیت ال... العظمی آقا سید جمال گلپایگانی رسیدند و پس از مذاکرات معمول فرمودند فلانی بیا یک معامله با من بکن و آن اینکه شما سالی یک بار بقعه ۱۷ تن گلپایگان را از طرف من زیارت کنید و من هر شب جمعه بجای شما حضرت علی(ع) را در نجف زیارت خواهم کرد یعنی یک زیارت ۱۷ تن بجایش ۵۲ زیارت امام علی (ع) آنهم از طرف چنین مرد بزرگی یعنی سید جمال گلپایگانی. در صورتیکه بدانیم که عده زیادی حتی اسم این بقعه ( هفده تن ) را نشنیده اند تا چه برسد به اینکه زیارت کنند و چه بسیارند زیارتگاههایی این چنین که کسی از اهمیت آنها با اطلاع نیست.

حال اگر در دورانی که این همه مراکز فساد، جوانان و حتی متدینین ما را به انحراف می کشد و آنها را در دام های مختلف بویژه اعتیاد می اندازد آیا بهتر نیست در احیاء و بازنگری این بقعه های متبرکه تلاش نموده و در دعوت مردم به این مراکز تلاش کنیم.

## جدول بقاع متبرکه در شهرها ایران

ردیف	نام شهر	تعداد بقعه متبرکه	ردیف	نام شهر	تعداد بقعه متبرکه
۱	رشت	۲۵۰	۲۱	بابل	۶۴
۲	ياسوج	۲۱۰	۲۲	سمنان	۶۳
۳	رودسر	۱۸۰	۲۳	جهرم	۶۲
۴	لارستان	۱۳۲	۲۴	تنكابن	۶۱
۵	شیراز ۳	۱۲۳	۲۵	گرگان	۵۸
۶	کازرون	۱۱۰	۲۶	داراب	۵۶
۷	ساری	۱۰۷	۲۷	بهبهان	۵۳
۸	قم	۱۰۴	۲۸	اصفهان ناحیه ۱	۵۲
۹	خلخال	۱۰۳	۲۹	ورامین	۵۱
۱۰	کاشان	۹۵	۳۰	گنبد کاوس	۴۸
۱۱	آمل	۸۸	۳۱	صومعه سرا	۴۸
۱۲	قائم شهر	۸۶	۳۲	دزفول	۴۶
۱۳	قزوین	۸۶	۳۳	یزد ۴۴	
۱۴	لاریجان	۸۶	۳۴	ساوه	۴۴
۱۵	همدان	۷۹	۳۵	رامسر	۴۱

۱۶	نور	۷۸	۳۶	کوه پایه	۴۰
۱۷	نوشهر	۷۷	۳۷	بهشهر	۳۹
۱۸	بوشهر	۷۶	۳۸	تفرش	۳۸
۱۹	ممسنی	۶۶	۳۹	قیدار	۳۸
۲۰	گچساران	۶۶	۴۰	دماوند	۳۸

ردیف	نام شهر	تعداد بقعه متبرکه	ردیف	نام شهر	تعداد بقعه متبرکه
۴۱	دامغان	۳۷	۶۱	قاین	۲۷
۴۲	فسا	۳۷	۶۲	زنجان	۲۷
۴۳	فیروزکوه	۳۶	۶۳	ایلام	۲۶
۴۴	سبزوار	۳۵	۶۴	بجنورد	۲۶
۴۵	ملایر	۳۵	۶۵	تربت حیدریه	۲۶
۴۶	ساوجبلاغ	۳۴	۶۶	گرمسار	۲۵
۴۷	گلیایگان	۳۴	۶۷	نمایندگی جلگه	۲۴
۴۸	آران و بیدگل	۳۴	۶۸	کرمانشاه	۲۴
۴۹	خرم آباد	۳۲	۶۹	شوشتر	۲۴
۵۰	اردبیل	۳۲	۷۰	شهرری	۲۳
۵۱	اصفهان ناحیه ۱	۳۱	۷۱	شهریار	۲۳
۵۲	الیگودرز	۳۰	۷۲	نیشابور	۲۳
۵۳	آستانه اشرفیه	۳۰	۷۳	بردکان	۲۲
۵۴	سپیدان	۳۰	۷۴	خمین	۲۲

۵۵	لواسانات	۳۰	۷۵	اردستان	۲۲
۵۶	بندرعباس	۳۰	۷۶	نی ریز	۲۲
۵۷	فلاورجان	۲۹	۷۷	اقلید	۲۱
۵۸	لنگرود	۲۹	۷۸	اسفراین	۲۰
۵۹	میناب	۲۹	۷۹	برازجان	۱۹
۶۰	کرج	۲۷	۸۰	بروجن	۱۹

ردیف	نام شهر	تعداد بقعه متبرکه	ردیف	نام شهر	تعداد بقعه متبرکه
۸۱	فریدن	۱۸	۱۰۱	محلات	۱۴
۸۲	قوچان	۱۸	۱۰۲	شوش	۱۲
۸۳	ابهر	۱۸	۱۰۳	اهواز	۱۲
۸۴	کبوتر آهنگ	۱۸	۱۰۴	سندج	۱۲
۸۵	نائین	۱۷	۱۰۵	بندی شرقی	۱۲
۸۶	لنجان	۱۶	۱۰۶	تبریز	۱۱
۸۷	خوربیاپانک	۱۶	۱۰۷	خوانسار	۱۱
۸۸	برخوار و میمه	۱۶	۱۰۸	رفسنجان	۱۱
۸۹	شهرکرد	۱۶	۱۰۹	کرمان	۱۱
۹۰	تالش	۱۶	۱۱۰	تفت	۱۱
۹۱	مبارکه	۱۵	۱۱۱	کنگان	۱۰
۹۲	کن	۱۵	۱۱۲	آبادان	۱۰
۹۳	بیرجند	۱۵	۱۱۳	مسجد سلیمان	۱۰

۹۴	آباده	۱۵	۱۱۴	بیجار	۱۰
۹۵	سردشت	۱۴	۱۱۵	بروجرد	۱۰
۹۶	پاکدشت	۱۴	۱۱۶	اهر	۹
۹۷	شمیران	۱۴	۱۱۷	مرند	۹
۹۸	شاهرود	۱۴	۱۱۸	نجف آباد	۹
۹۹	شیروان	۱۴	۱۱۹	سمیرم	۹
۱۰۰	بانه	۱۴	۱۲۰	گناباد	۹

ردیف	نام شهر	تعداد بقعه متبرکه	ردیف	نام شهر	تعداد بقعه متبرکه
۱۲۱	تربت جام	۹			
۱۲۲	اردکان	۹			
۱۲۳	شهرضا	۸			
۱۲۴	خمینی شهر	۸			
۱۲۵	رباط کریم	۸			
۱۲۶	سقز	۸			
۱۲۷	اسکو	۷			
۱۲۸	کاشمر	۷			
۱۲۹	شمال و غرب	۷			
۱۳۰	مریوان	۷			
۱۳۱	ارومیه	۴			
۱۳۲	مراغه	۴			

هرچند اکثر این امام زاده فقط انتصاب به اهل بیت دارند ولی هر گاه فاصله انتصاب کم می شود همه حساس می شوند و در رد یا قبول جدیت بیشتری به خرج می دهند چرا که مثلاً یک قبر که در فلان گوشه از یک شهر قرار دارد و منسوب به اسمی که آخر هم مثلاً به امام کاظم (ع) ختم می شود حساسیت خاصی وجود ندارد اما اگر قرار شد بگویند فرزند امام کاظم (ع) دیگر همه حساس میشوند چرا که فرزندان مستقیم ائمه و معصومین در اکثر کتابها نامشان وجود دارد و نمیتوان به فرزندان معصومین اضافه کرد و لذا باید با استناد به کتب و روایات معتبر نسبت به آنها به یقین نسبی رسید. هر چند مثلاً در وجود حضرت زینب (س) هیچ تردیدی وجود ندارد اما در مورد قبر ایشان میدانیم یک مرقد در دمشق و یکی در مصر است و در آن صورت باید در مورد خود مرقد نیز دلائلی ارائه کرد.

اما در مورد حضرت سکینه دو مطلب وجود دارد اول آنکه حضرت علی (ع) و حضرت زهرا(س) فرزندی بنام سکینه (ع) داشته اند یا خیر و دوم اینکه آیا قبر موجود در داریا مربوط به آن حضرت هست یا نه. اما از قضا سوال دوم جوابش بسیار آسان تر است چرا که

- ۱- در هیچ جای دیگر قبری به این نام نیست.
  - ۲- اسناد اوقاف مربوط به حدود ۸۰- ۶۰ سال قبل وجود دارد که بیانگر این واقعیت است که اینجا قبری به این نام ایشان بوده و وقف نامه هائی داشته است.
  - ۳- در تاریخ، شهر داریا بنام شهر شیعیان معروف است و حتی قبر بلال حبشی هم در همین شهر بوده است که بیانگر اینست که اهل بیت این محل را برای سکونت ترجیح می دادند نا زینبیه که به دلیل وجود قبور متبرکه به تشیع علاقمند شده باشند.
  - ۴- در کتاب آمده است که حضرت زینب به اتفاق بستگان به شام مسافرت کردند.
- لذا مهمترین سوال در بخش وجود دختری بنام حضرت سکینه آنهم فرزند علی و زهرا (ع) باشند.

### چگونگی شناخت قبور

مراجعه ای به کتب تاریخی قبور و زیارتگاههای مهم به سه دسته تقسیم می شوند

- ۱- قبور ائمه
- ۲- قبور فرزندان بلا واسطه ائمه
- ۳- قبور نوادگان ائمه

### قبور ائمه :

قبور ائمه و معصومین بجز حضرت زهرا (ع) که مجهول مانده است همگی آشکارا و بدون هیچ تردیدی وجود دارند و اگر هم نظیر قبر امیر المومنین علی (ع) که صد سال پس از شهادت توسط امام صادق (ع) معرفی شد چندین بار به آب بستند و شخم زدند اما باز هم معصومین در معرفی آن اقدام نمودند و لذا همه قبور معین و مشخص و بدون هیچگونه شک و تردید مشخص است.

### قبور فرزندان ائمه

نام فرزندان ائمه نوعاً در کتب تاریخی وجود دارد و لذا هر چند ممکن است اختلاف در روایت در مورد اسم آنها باشد. اما آنچه که قبر آن بزرگواران را معرفی کرده است یا سند مستندی وجود داشته نظیر حضرت معصومه (ع) در قم ، نظیر حضرت محمد (ع)

فرزند امام هادی در عراق ( سامرا) و ابراهیم فرزند حضرت رسول در مدینه ( بقیع).....یا نظیر شاهچراغ حضرت احمد بن موسی (ع) در شیراز، حضرت رقیه در دمشق و... نوعاً از طریق کرامات متعدد خود معرفی و شناخته شده اند.

البته در مورد حضرت زینب قبری در دمشق و قبری هم در قاهره است اما قبر حضرت در دمشق با روایت ها و واقعیات بیشتر می خواند هرچند مرحوم سید محسن امین (لبنانی) معتقد است قبر حضرت زینب (ع) در مدینه است و به این امر اصرار دارد. اما حکایت زیر در مورد مرقد حضرت زینب به تواتر رسیده است.

### تأیید محل قبر حضرت زینب (ع) در دمشق

شخصی از مرحوم ملا علی آخوند همدانی ( ره) می پرسد قبر حضرت زینب در کجا است میگوید من هم همین سوال را از مرحوم آقا ضیاء عراقی فقیه بزرگ کردم ایشان گفتند من خدمت مرحوم میرزای شیرازی بودم. شخصی آمد گفت من اهل قطیف ( عربستان ) هستم و پیامی برای میرزای شیرازی دارم. معرفی کردند این فرد آمد کنار میرزا و گفت من در بیابان به قصد زیارت امام رضا (ع) می رفتم که پولم گم شد یا دزدیدند. با ناراحتی از حضرت امام رضا (ع) خواستم توفیق بدهند تا بتوانم زیارت بروم. ناگاه سیدی کنارم دیدم، فرمود کجا می روی گفتم مشهد فرمودند من هم می روم کربلا خوشحال شدم که شیعه است و مشکل را به

ایشان گفتم فرمودند این پول را بگیر و تا سامرا برو و از میرزای شیرازی پول کافی بگیر که مشهد بروی و برگردی به شهر خودت. گفتم آقا اگر میرزای شیرازی گفت چه کسی سفارش داده فرمود سید مهدی سلام رساند. گفتم اگر پرسید چه نشانه ای، کدام سید مهدی، فرمود بگو اول ذیحجه امسال با ملا علی کنی در حرم عمه ام در دمشق وارد شدید و دیدید اطراف ضریح تمیز نیست با ابای خودتان آنجا را تمیز کردید. بگو من هم آنجا بودم که مرحوم میرزا منقلب شد و هر دو چشم او را بوسید. که این چشم ها امام زمان (ع) را دیده استاین واقعه نشان می دهد که قبر حضرت زینب در دمشق درست است.

البته فرزندان زیادی از ائمه هستند که هیچ اثری از قبر آنان نیست. و از قضا تعدادی که قبر آنها مشخص است بسیار کمتر از آنان هستند که قبر آنها مشخص نست. بویژه آنان که در مدینه دفن شده اند.

لذا همانگونه که مشاهده شد اولاً تعداد زیادی قبر بنام فرزندان معصومین هستند که در شهرهای ایران بعنوان زیارتگاه هستند و هیچکس هم دنبال چگونگی تاریخ اثبات مرقد آنها نیست و بدلیل شهرت بین مردم، زیارتگاه شده اند. ولی کرامات باعث معرفی و حفظ آنان شده است مثلاً قبر حضرت شاه چراغ نیز چنین حکایتی دارد.

### آشکار شدن مدفن سید میر احمد (ع) و سبب نامیده شدن ایشان به شاهچراغ

تا زمان امیر عضد الدوله دیلمی کسی از مدفن حضرت سید میر احمد (ع) اطلاعی نداشت و آنچه روی قبر را پوشانده بود، تل خاکی بیش به نظر نمی رسید که در اطراف آن خانه های متعددی ساخته بودند که مسکن اهالی بود، از جمله پیرزنی در پائین آن تل، خانه ای گلی داشت و در هر شب جمعه، نیمه های شب چراغی را در بالای تل خاک در نهایت روشنایی می دید که تا طلوع صبح نورش به نظر می رسید. چند شب جمعه مراقب بود و روشنایی چراغ به همین کیفیت ادامه داشت تا اینکه با خود اندیشید شاید در این مکان مقبره یکی از اولیاء خدا یا یکی از امامزادگان باشد و بهتر دید که موضوع را با امیر عضد الدوله در میان بگذارد، پس در اولین فرصت امیر را ملاقات کرده و موضوع را کاملاً با وی در میان گذارد. امیر در ابتدا تعجب کرد، اما قرار بر این گذاشت تا در اولین شب جمعه به منزل پیرزن رفته و خود این موضوع را ببیند تا مطمئن شود. بنابراین چون شب جمعه فرار رسید، امیر به منزل پیرزن رفت و فرمود چنانچه آن روشنایی را مشاهده کردی مرا بیدار کن. در نیمه های شب چون پیره زن روشنایی خیره کننده را بر حسب معمول دید امیر را بیدار کرد و امیر از دیدن آن بسیار شگفت زده شد، پس به سمت آن رشنائی بر بالای تل شتافت، اما روشنایی و اثر آن را ندید چون به پائین برگشت باز آن روشنایی را

مشاهده نمود و این عمل را هفت بار تکرار کرد و نتیجه یکسان بود. حیرت امیر دو چندان شد و باخود اندیشید که این آثار و علائم چگونه و از کجا می تواند باشد و آیا در عالم رویا سید بزرگوار و جلیل القدری را زیارت نمود که به او فرمود: ای امیر از چه در فکری؟ این محل، مدفن من است و من احمد بن موسی الکاظم هستم. پس محل مزبور را شکافتند و به لوحی از سنگ یشم رسیدند که بر آن نوشته شده بود السید امیر احمد بن موسی الکاظم علیه السلام، چون سنگ را برداشتند، سردابی عمیق آشکار گشت و جسد مطهر آن حضرت را بدون تغییر یافتند. و بدین ترتیب، بر امیر ثابت شد که آنجا قبر سید امیر احمد بن موسی (ع) است. و چون شبهای جمعه بر روی مزار آنحضرت، چراغی دیده می شد از آن جهت به شاهچراغ معروف گشت.

#### آشکار شدن قبر حضرت رقیه (س)

مرحوم حاج محمد هاشم خراسانی در منتخب التواریخ آورده است که: عالم جلیل القدر، شیخ محمد علی شامی ( که از جمله علماء و محصلین نجف اشرف است) به حقیر فرمود که جد مادری بلا واسطه من، جناب آقای سید ابراهیم دمشقی ( که نسبش منتهی می شود به سید مرتضی علم الهدی و سن شریفش بیش از نود سال بود)، سه دختر داشت و اولاد ذکور نداشت. شی دختر بزرگشان، حضرت رقیه، (س) را در خواب دید که فرمود: به پدرت

بگو به والی بگوید که میان قبر و لحد من آب افتاده و بدن من در اذیت است، بیاید و قبر مرا تعمیر کند. دخترش به سید عرض کرد اما سید از ترس حضرات اهل تسنن به خواب اعتنایی نکرد. شب بعد دختر دوم سید همین خواب را دید و به پدر گفت ولی پدر ترتیب اثر نداد. شب سوم دختر کوچک سید نیز همین خواب را دید و به پدر گفت، پدر باز هم ترتیب اثری نداد. شب چهارم خود سید حضرت رقیه (ص) را در خواب دید که با عتاب فرمود: چرا والی را خبر نکردی؟ سید بیدار شد و صبح نزد والی شام رفت و خوابش را به والی گفت. والی دستور داد علماء و صلحاء شام از سنی و شیعه غسل کرده و لباسهای پاکیزه بپوشند و رهسپار حرم رقیه (س) گردند اما بنابراین شد که قفل به دست هر کس باز شد همان کس برود و قبر را نبش کند و جسد مطهره را بیرون بیاورد تا قبر را تعمیر کنند. بزرگان و علماء از شیعه و سنی درکمال آداب غسل کردند و لباسهای نظیف در بر کردند اما قفل به دست هیچکس باز نشد مگر به دست مرحوم سید. وقتی میان حرم مشرف شدند، کلنگ هیچیک به زمین اثر نکر مگر کلنگ سید ابراهیم. سپس حرم را خلوت کردند و لحد را شکافتند، دیدند بدن نازنین حضرت رقیه (س) میان لحد و کفن صحیح و سالم است، اما آب زیادی میان لحد جمع شده است. سید بدن شریف را از میان لحد بیرون آورد و روی زانوی خود نهاد و سه روز به همین گونه بالای زانوی خود نگه داشت و پیوسته گریه می کرد تا وقتی که قبر

مطهر حضرت رقیه (س) را تعمیر کردند. اوقات نماز که می شد، سید بدن حضرت را روی شی پاکیزه ای می گذاشت و بعد از فراغ، دوباره برداشته و روی زانو می نهاد. پس از تعمیر قبر، سید بدن حضرت را دفن کرد و دعا کرد خداندن پسری به او مرحمت نماید. دعای سید مستجاب شد و در آن سن پیری، خداوند به او پسری مرحمت فرمود که نامش را سید مصطفی گذاشت.

بعد از این قضیه، والی، شرح ماجرا را به سلطان وقت نوشت، او هم تولیت زینبیه و مرقد شریف رقیه (س) را به سید ابراهیم مذکور واگذار نمود و پس از وی فرزندش سید مصطفی متولی آستانه مبارکه شد و در زمان ناقل، تولیت به آقای سید عباس نوه سید ابراهیم واگذار گردید. گویا این کرامت در حدود سال ۱۲۸۰ هجری واقع شده است. و اما حضرت سکینه (ع) بنت الزهرا.

#### آشکار شدن قبر حضرت سکینه (ع) در دمشق

در شهر یا منطقه داریای دمشق یک راننده لودر در حال تخریب خانه هائی به قصد تعریض کوچه و ایجاد یک خیابان جدید بود. که یک قبر نظرش را جلب می کند به تخریب ادامه نمی دهد و به مسئولین خبر میدهد که قبری در اینجا هست که بنظر قدیمی می رسد. البته ظاهراً و به دلیل سابقه شیوخ آن محله هم کمک کرده تا صاحب قبر شناخته شود. پیرمردهای منطقه می گویند این قبر متعلق به حضرت سکینه بنت الامام علی (ع) است.

موضوع به استانداری و فرمانداری و ... بقیه مسئولان منطقه و بالاخره موضوع به حضرت آیت ال...واحدی منتقل می شود که چنین قبری پیدا شده و موضوع را پیگیری میکنند. مشایخ و افراد مسن را پیدا می کنند و مشخص می شود که تا جهل سال قبل قبری در اینجا بوده و بنام حضرت سکینه بنت امام علی (ع) معروف است و ملک های اوقافی هم داشته است و بالاخره پس از تلاش های فراوان اسناد مربوط به اوقاف پیدا شدند و مشخص شد که اسناد بنام حضرت سکینه (ع) است ( کپی فرم اوقاف ضمیمه است). این وقف نامه ها مربوط به سال ۱۹۱۹ و ۱۹۴۵ میلادی است.

از آن تاریخ از تخریب بقیه ساختمان جلوگیری شد و حریم قبر نیز حفظ شد و مدتها قبر بصورت یک قبر معمولی در اطاقی که تعمیر شده بود قرار داشت و افراد برای زیارت به آنجا مراجعه می نمودند. سپس به تدریج فعالیت هائی برای اصلاح آن وضعیت آغاز شد و با خریدن منزل های اطراف یک سوله و ضریح کوچک ساخته و تجهیزات لازم خریداری شد و از آن تاریخ به بعد زوار کشورهای مختلف که به سوریه می روند این حرم شریف نیز زیارت می کنند.

در این محل در مراسم های مختلف از جمله میلادها و شهادت مراسم مختلف برگزار و نظیر همه مراسم و محافل شیعیان در اقصی نقاط عالم که در کنار قبور امام و امام زاده ها برگزار می

شود با شکوه و شور می باشد. همه روزه در اوقات مربوط صدای بلند گوی اذان را به همه محله میرساند و وجود این مرقد مطهر باعث شده است نام کوچه های اطراف این حرم مطهر بنام اهل بیت علیهم السلام و سربازان آنان گذارده شود.

### سه حدیث در پاداش زیارت

درباره ثواب زیارت شریف امامان (ع) و افراد خاندان آنها، در روایات اسلامی، فراوان اشاره شده است.

۱- حضرت رضا (ع) فرمودند:

»

«.

( کسی که از روی اشتیاق و علاقه، به زیارت امامان (ع) پردازد و در این زیارت به اهداف مقدس آنان توجه کند، در روز رستاخیز، امامان (ع) از آنها شفاعت می کنند).

۲- رسول خدا (ص) فرمودند: »

«<sup>۱</sup> ( کسی که مرا یا

یکی از فرزندان و نوادگان مرا زیارت کند، در قیامت او را دیدار می کنم و او را از وحشتهای قیامت نجات می دهم).

<sup>۱</sup> - کامل الزیارات این قولویه ( متوفی ۳۶۸ ه.ق.، ط. مکتبه الصدوق، ص. ۷.

### پاداش تعمیر مرقد‌های خاندان رسالت:

۱- پیامبر اکرم (ص) در ضمن گفتاری، به حضرت علی (ع) فرمود:  
»

« ( خداوند دل‌های فرزندان را مخلوقات و برگزیدگان از بندگانش را به سوی شما جذب و مشتاق می‌کند، آنها در را تحلیل از شما، ناگواریها و رنجها را تحمل می‌کنند، قبرهای شما را باز سازی و نوسازی می‌کنند، و به خاطر تقرب جویی به درگاه خدا به وسیله آنها، و دوستی با آنها بخاطر رسول خدا، بسیار به زیارت قبرهای آنها می‌پردازند. ای علی اینها مشمول شفاعت مخصوص من هستند و در بهشت بر حوض ( کوثر) من وارد می‌شوند، و در آخرت در بهشت با من دیدار خواهند کرد).  
همچنین فرمود:»

«<sup>۱</sup>

( ای علی کسی که قبرهای شما خاندان را تعمیر و باز سازی کند، و به زیارت آنها پایبند باشد، گویی حضرت سلیمان بن داود(ع) را در ساختن مسجد بیت المقدس کمک کرده است).

۱- فرجه الغری، تالیف برادر سیدبن طاووس، ص ۳۱، بحار، ج ۱۰۰، ص ۱۲۱.

**فوائد زیارت:**

در زیارت قبور مطهر امامان و امامزادگان (ع) و صالحان، فواید سازنده ای وجود دارد:

(چرا که قبور آنها کانون الهام و عبرت، کلاس درس و سازندگی، و همسویی با آرمانهای آنها است) که موجب برقراری پیوند مکتبی زائر با آنها می شود، و ارتباط زائر را با اهداف زندگی درخشان آنها محکم و استوار می سازد.

**۱- ایجاد ارتباط دوستانه:**

رابطه دوستی در زیارت معمولاً برقرار می شود، و یاد فضائل، جهاد و تلاشهای آنها در مسیر اهداف عالی انسانی در خاطره ها تجدید می شود و (زائر با اندیشه های بلند و گفتار و رفتار حرکت بخش آنها هماهنگ می سازد) و باعث تحولی عمیق می شود.

بویژه در موسمه های زیارت، و گردهمایی و ازدحام زائران در یک مکان مقدس، موجب انسجام و الفت و آشنایی بیشتر آنها با یکدیگر می شود، و در پرتو آن، روح انقیاد و فرمانبری از خدا، خلوص اطاعت، و تلاش برای زنده نگهداشتن آرمانهای مقدس آنها را در دل های زائران می دمد و انوار تابان معنویت از ناحیه آنها بر قلبها می تابد، و موجب آرامش روان و زدایش تیرگیها از دلها می شود.

**۲- آموزش:**

با توجه به مضامین زیارتنامه هایی که وارد شده است، حقیقت توحید و یکتا پرستی، و اعتراف به قداست و پاکی اسلام و رسالت محمد (ص) به زائر معرفی می شود، و عالیترین درسهای آموزنده از مکتب این زیارتنامه ها همچون دعاها، عاید زائر می شود و موجب افزایش معرفت و معلومات علمی و عملی او می گردد، و براستی می توان گفت که پس از قرآن، نهج البلاغه و دعاها، این زیارتنامه ها که از اهل بیت پیامبر(ص) به ما رسیده است، عالیترین نقش را در پاکسازی و بهسازی انسان دارند، و موجب ارتقای فکر و طهارت و تهذیب نفس می شوند.

**۳- تزکیه :**

دستورها و آدابی که در کنار زیارت قبور مطهر اولیای خدا وجود دارد، هر کدام اثر بسزایی در تهذیب نفس و تکامل معنوی دارند، از جمله:

غسل کردن زائر، پاکیزه کردن خود، پوشیدن لباس تمیز و نیکو و خوشبو کردن آن به عطر، کمک به مستمندان و درماندگان، حرکت با وقار و آرامش به سوی زیارتگاه، تکرار جمله الله اکبر تا صد بار یا بیشتر هنگام زیارت، و خواندن دو رکعت نماز زیارت بعد از زیارت و دعایی که بعد از نماز وارد شده است، رعایت رابطه نیک با زائران و انتخاب همنشینان پسندیده و .... هر کدام نقش حرکت

آفرینی در تحدید حیات و آفرینش شخصیت جدید انسانی دارند و موجب کمال انسان خواهند شد. لازم به ذکر است که نماز زیارت فقط برای معصومین است و برای بقیه ثواب نماز به روح فرد مورد زیارت هدیه می شود.

#### ۴- افزایش محبت دوستان :

یکی از آداب مستحبی زیارت قبور مطهره آن است که زائر به نیابت از پدر و مادر و دوستان خود، آنها را زیارت کند، و برای آن دعا کند، و این خود موجب محبت و برقراری روابط نیک با خویشان و دوستان می شود که باید توجه داشت وقتی انسان در غیاب افراد آنها نایب الزیاره و دعای خیر می کند که عمل جنبه عاطفی و قلبی دارد و چون لازم است این تحول قلبی باشد لذا محبت به دوستان و آشنایان نیز قلبی میشود.

قبل از ورود به بحث در مورد دختری بنام حضرت سکینه (ع) به چند نکته توجه فرمائید.

۱- سیره افراد بزرگ و انتقال زندگینامه آنان معمولاً با اثر پذیرفتن از تفکر تاریخ نویسان و ناقلان و راویان ارتباط پیدا می کند و بر اساس سلیقه آنها و بدلیل دوستی یا دشمنی فوق العاده با اهل بیت تنظیم می شود.

در مورد زندگی حضرت محمد (ص) و اهل بیت، متأسفانه موارد بسیار زیادی از سیره آنها به دست ما نرسیده است و مقدار زیادی از اطلاعات هم با ابهام وجود دارد و لذا در مورد ائمه و فرزندانشان و تاریخ آنها اختلاف زیادی در اسم، تعداد، فعالیت آنها در زمان حیات مشاهده میشود:

۲- در تاریخ نفی موضوعی بسیار مشکل است و حتی اثبات، از نفی قطعی آسان تر است. در نفی احتیاج به تلاش زیاد است که در همه کتابها دقت و مطالعه کند مثلاً کتاب انساب - تفسیر - حدیث- ادبیات و نظائر آن و تازه بعد از این همه تحقیق نمی تواند دقیقاً و قطعاً نفی مطلبی را بنماید چرا که همه کتابها را باز هم ندیده و میتواند بگوید من ندیدم یا برای من ثابت نشده و لذا عقل عاجز از اعلان عدم وجود و نفی قطعی است. چرا که میدانیم حتی کتاب ها تحت تاثیر گذشت زمان و ... قرار می گیرند. نظیر آنچه که در مورد اماکن موجود در یک منطقه شود ( نظیر نام کوچه، محله، شهر و ...)

۳- اما اثبات بسیار آسان تر از نفی است چراکه با مطالعه کتب و نقل قول ها و رساله هائی که در مورد یک موضوع نوشته شده

است، به شرطی که از نظر سندیت و مدارک معتبر باشد، می توان به اثبات رسانید. البته اثبات نیز نظیر نفی، شخص می تواند بگوید بر اساس این اسناد برای من اثبات شد، چرا که ممکن است یک سند یا قول برای فردی معتبر و برای فرد دیگر غیر معتبر باشد اما به هر حال اثبات بسیار آسان تر خواهد بود. البته اگر سند معارض نداشت و موثق هم بود کسی نمی تواند آن را نفی کند.

در مورد حرم شریف حضرت سکینه (ع) نیز متأسفانه عده ای بدون اینکه به این دو اصل مهم علمی توجه داشته باشند و حتی مطالعه چشمگیری در مورد زندگی ائمه داشته باشند ممکن است بدلیل سوابق ذهنی زبان به نفی آن بکشایند.

در تاریخ افراد زیادی هستند که سرنوشتی مشابه سر نوشت حضرت سکینه (ع) دارند و نتیجه این شده است که تاریخ سخن زیادی از آنها نگفته باشد و در مورد زندگی آنها اطلاعات زیادی در دست نباشد و چه بسا ممکن است بدلیل مسائل مذهبی، قومی قبیله ای یا نظائر آن اهمیتی در شان افراد نقل نشده باشد.

اما عدم ذکر تاریخ و تصریح به اسم آنها به تفصیل باعث نمی شود و این اجازه را بما نمی دهد که وجود فرد را نفی کنیم مگر در مواردی بسیار نادر آنهم از طریق علمی.

دلایل و شواهد زیادی وجود دارد که کفایت می کند به اینکه حضرت علی (ع) دختری بنام سکینه داشته است. اگر تعدادی از مولفین حضرت سکینه (ع) را در جمله اولاد حضرت علی (ع) قرار

نداده اند، اجازه نداریم که این موضوع را انکار کنیم و علت آنهم اشتباه زیاد در مورد اولاد ائمه و تعداد و اسمهای آنهاست. چرا که القاب، کنیه، حتی بین زنان و مردان اختلاف زیادی وجود دارد و علت آن اینست که مورخ به خود زحمت نداده است تا تحقیق و ریشه یابی عمیقی بنماید.

در اینجا به بحث پیرامون معرفی حضرت سکینه (ع) در اخبار و احادیث آمده می پردازیم.

**حضرت سکینه (ع) کیست؟**

شاید نام حضرت سکینه (ع) بلافاصله نام سکینه (ع) فرزند امام حسین (ع) تداعی میشود، چرا که ایشان نامشان در واقعه کربلا بوده و همیشه و در همه جا کنار نام حضرت زینب و بقیه بوده است و بسیار زیادتر از نام حضرت رقیه (ع) در کتب و احادیث مطرح شده است. سن حضرت سکینه (ع) فرزند امام حسین (ع) در حدی بوده است که در وقایع کربلا حضور فعال

داشته است و بعد هم تا سنین زیادی عمر کردند و در مدینه دفن شدند که متأسفانه اثری هم از قبر ایشان وجود ندارد و چه بسا در جریان تخریب قبرستان بقیع از بین رفته باشد. اما چرا برای قبر حضرت رقیه(ع) محلی معرفی شده است و اما قبر حضرت سکینه بنت الحسین(ع) معرفی شده است شاید بدین دلیل باشد که در شهر دمشق آثار ظلم امویان برای همیشه روزگار باقی بماند.

### روایات و اخبار مربوط به حضرت سکینه(ع) دختر علی و فاطمه(ع)

گرچه مطابق متون اولیه، معروف و مشهور چنین است که حضرت زهرا علیها السلام پنج فرزند به نامهای حسن، حسین، زینب، ام کلثوم و محسن داشت و نامی از دختری به نام سکینه نیامده است. ولی پاره ای از روایات که قبل از این متون بوده است و ذکر خواهد شد، بیانگر آن است که حضرت زهرا(ع) دختری به نام سکینه(ع) نیز داشته، و حتی او در ماجرای کربلا نیز حاضر بوده است.

ولی ذکر نشدن نام ایشان در کتب انساب و رجال در ضمن شمارش فرزندان حضرت علی(ع)، دلیل قاطعی بر نبود چنین فرزندی برای امیرمومنان علی(ع) و زهرا علیها السلام نیست، چرا که ذکر نشدن بعضی از نامها، و اهمال در این مورد در کتب انساب

و رجال، بسیار است، و نبودن ذکر آنها دلیل بر عدم وجود آنها نخواهد شد.

اما در موارد دیگر، در پاره ای از متون، نام حضرت سکینه بعنوان دختر امیر مومنان علی (ع) آمده است، همان روایت کفایت می کند.

روایاتی و اخباریکه درباره سکینه (ع) دختر علی (ع) و حضرت زهرا هستند و نام حضرت سکینه در آنها آمده است.

ابتدا چند روایت که بیانگر وجود دختری به نام سکینه (ع) برای حضرت علی و حضرت زهرا (ع) است، نقل می شود:

۱- ابو جعفر محمد بن جریر طبری، عالم و محدث بزرگ اوایل قرن چهارم هجری در کتاب خود دلائل الامامه به سند خود از امام صادق (ع) و او از امام باقر (ع) و از برادرش زیدبن امام سجاد (ع) نقل می کند که :

» ( ) :

( )

«<sup>۱</sup> ( از پدرش - امام سجاد (ع) - و او از سکینه و زینب

(ع) دو دختر علی (ع) نقل کرد که علی (ع) گفت: رسول خدا (ص) فرمود: همانا فاطمه علیها السلام حوریه ای است که بصورت انسان آفریده شده است).

<sup>۱</sup> - دلائل الامامه الطبری، ط. منشورات الرضی قم، ص ۵۲، بحار، ج ۸۱، ص ۱۱۲، مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۷۶.



بعد از حضرت زهرا است اما این روایت مربوط به زمان حضرت زهرا است.

۳- در کتاب امالی شیخ طوسی، و وسائل الشیعه (کتاب ازدواج، بخش عدم اجازه نگاه کردن افراد خنثی و خواجه به زنان) از حضرت رضا (ع) نقل می شود و او از پدراناش روایت می کند که امام حسین (ع) فرمود:

( ) »

: «.

خادمی ( که خواجه بود) برخواهرم سکینه (ع) دختر علی (ع) وارد شد. سکینه موی سرش را از او پوشانید، یکی از حاضران از سکینه پرسید: او که خادمی (خواجه) بیش نیست؟ چرا سرت را از او پوشاندی، حضرت سکینه (ع) در پاسخ فرمود: « در هر حال او مرد است، هر چند که از شهوتش جلوگیری شده باشد».

این روایت بیانگر مقام ارجمند حضرت سکینه (ع) است، و اینکه چنین بانویی در میان خاندان رسالت، معروف بوده است، چرا که امام حسین (ع) امام معصوم بود و نیاز به نقل فتوا از دیگری نداشت و چنین نقلی حاکی است که امام حسین (ع) قصد داشت مردم را از جلالت مقام حضرت سکینه با خبر سازد.

<sup>۲</sup>- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۶۷ و ۱۶۸.

همانگونه که ملاحظه می شود سه روایت فوق، در سه مورد کاملاً مختلف است، یکی در شان و مقام حضرت زهرا (ع) دیگری در مورد دعوت امیر مومنان علی (ع) از حسن و حسین و زینب و سکینه برای آخرین دیدار با حضرت زهرا، و سومی در مورد حجاب است که اختلاف موارد دلالت بر وجود چنین بانویی در خانه علی و زهرا (ع) است.

### اخبار در مورد حضرت سکینه (ع)

متأسفانه در کتابهای تاریخی معروف که از قرن سوم به بعد نوشته شده نامی از حضرت سکینه دختر امام علی (ع) نیامده است که شاید دو دلیل عمده داشته باشد. در دوران معصومین و بویژه زمان امویان و عباسیان نه تنها اهمیتی برای بزرگداشت حتی اهل بیت نمی شد بلکه تلاش می کردند سایر فضایل بزرگان آنها را از کتب حذف کنند و بنام دیگران ثبت کنند تا چه رسد به فرزندان آنها، آنهم فرزندان علی و زهرا(ع) همانگونه حتی از ام کلثوم هم نام چندانی بجز در مقاتل مربوط به کربلا نیست و بعد از آن حتی از محل دفن آن بزرگوار نیز اثری نیست اما وجود ایشان و اتنسب به حضرت علی و زهرا (ع) قطعی است.

در مورد حضرت سکینه (ع) تشابه اسمی با حضرت سکینه (ع) هم باعث شده است که در مواردی ناقلی، مطلبی را نقل کرده باشد با نظر خودش و بدلیل عدم ملاحظه نام حضرت سکینه (ع) بعنوان

دختر حضرت علی (ع) با حضرت سکینه بنت الحسین (ع) در نظر گرفته باشد. و این تشابه اسمی بگونه ای است که حتی حضور حضرت سکینه (ع) در کربلا فقط توسط اسفراینی که با دقت برخورد کرده است آمده است.

اما با وجود این مطالب گوناگونی از علمای محقق و مورد اعتماد نقل شده است که هر کدام می تواند تاییدی بر این مطلب باشد که حضرت امیر مؤمنان علی (ع) دختری به نام سکینه (ع) داشته است.

۱- در میان محدثان و مورخان، علامه شعرانی ( قطب الربانی، عبدالوهاب شعرانی، متوفی در محرم سال ۶۸۷ ه. ق ) در کتاب خود الطبقات الکبری یکی از دختران حضرت علی (ع) را سکینه (ع) ذکر کرده است.

۲- مرحوم آیت الله شیخ علی نمازی ( متوفی در ماه ذیحجه سال ۱۴۰۵ ه. ق) در کتاب مستدرکات سفینه البحار چنین می نویسد:

»

( )

( ) «<sup>۱</sup>. ( سکینه دختر امیر مومنان علی (ع) که او را (مورخان ) به این عنوان یاد نکرده اند با اینکه امام سجاد (ع)

<sup>۱</sup>- مستدرکات سفینه البحار، ج ۵، ص ۳۲، واژه «س».

(طبق روایتی که قبلاً گذشت) توسط او و زینب از پدرشان علی در فضیلت حضرت زهرا علیها السلام نقل روایت می کنند).

۳- همچنین عالم فرزانه شیخ عبدالحمید مهاجر عراقی- یکی از بزرگان اهل منبر که تالیفات و تحقیقات فراوانی دارد- نقل کرده است: بانویی به نام حضرت سکینه علیها السلام دختر حضرت علی (ع) در کربلا حضور داشته است. او هنگام وداع آخر در روز عاشورا حاضر بود و وقتی امام حسین (ع) به سوی میدان می رفت، متوجه شد که خواهرش زینب در گوشه یکی از خیمه ها نشسته، و از شدت غم و اندوه نزدیک است جان تسلیم کند. امام حسین (ع) خواهرش سکینه را صدا زد و فرمود:

« »

( ای خواهرم سکینه خواهرمان زینب را دریاب و از او مراقبت و نگهداری کن که نزدیک است جان ببازد).

۴- در کتاب اغانی راغب اصفهانی آمده است که در یکی از محالس، دختر عثمان بن عفان از روی فخر به سکینه گفت: « ( من دختر شهید هستم ). حضرت سکینه سکوت

اختیار کرد تا اذان گو اذان گفت: وقتی که به جمله «

« رسید، حضرت سکینه (ع) به او فرمود: آیا این

رسول، پدر من است یا پدر تو؟ دختر عثمان شرمسار شد و گفت: « من دیگر هرگز بر شما فخر نمی کنم».

<sup>۲</sup>- به نقل از محقق عالیقدر، سید احمد واحدی، مقیم سوریه.

بدیهی است در این زمان هنوز سکینه دختر امام حسین (ع) حتی متولد نشده بوده است.

۵- دو استاد گرانقدر حضرت آیت الله حاج شیخ حسین شب زنده دار (دامت برکاته) و همچنین حضرت آیت ا. سید احمد واحدی (متولی محترم حرم حضرت سکینه (ع)) نقل می کنند که در عصر مرجعیت آیت الله العظمی آقای بروجردی ( سال ۱۳۳۸ شمسی ) مرحوم آیت الله حاج میرزا ابوالفضل زاهدی قمی که از علمای محقق و برجسته حوزه علمیه قم بودند، در منزل آقای بروجردی منبر می رفتند. روزی در آن مجلس با شکوه که علمای برجسته حاضر بودند، در محضر آیت الله العظمی بروجردی تاکید می فرمودند: « به رغم اهمال تاریخ و عدم ذکر بانویی به نام سکینه (ع) بعنوان دختر حضرت علی (ع) در کتابهای معروف حدیث و تاریخ، چنین بانویی وجود داشته است و باید این نام احیا شود.»

ایشان این مطلب را در محضر مرجع کل، فقیه بزرگ، آیت الله العظمی بروجردی، آن هم بالای منبر بیان می کرد. با توجه به اینکه آقای بروجردی علاوه بر مکانت عالی در فقه و اصول، در علم رجال و شناخت اساتید و تسلطی گسترده و عمیق داشتند، روا نبود که شخصی مثل آیت الله زاهدی قمی، در چنان محضری سخنی بی ربط بگوید و یا گزافه گویی کند. و عدم اعتراض علمای بزرگ حاضر دلیلی بر صحت مطلب فوق بود.

### حضرت سکینه (ع) دختر علی و فاطمه (ع) در کربلا

۶- در کتاب « نورالعین فی مشهد الحسین (ع) » تالیف علامه ابواسحاق اسفرائینی، مطالبی درباره حضرت سکینه (ع) دختر امام علی (ع) ذکر شده که در مجموع بیانگر آن است که او در کربلا بوده، در و ماجرای اسارت اهل بیت (ع) نیز شریک بوده، هر چند در مواردی نقاط ضعفی در کتاب نوالعین مشاهده می شود اما اینکه یک نام ساختگی به خاندان امام (ع) اضافه کند امکان ندارد. یکی از مطالبی که در کتاب نورالعین عنوان شده، ماجرای گفتگوی امام حسین (ع) با خواهرش سکینه (ع) در مکه است که در این ماجرا، حضرت سکینه (ع) همواره بعنوان خواهر امام حسین (ع) یاد شده است. خلاصه ماجرا چنین است:

وقتی که امام حسین (ع) مسلم را به سمت کوفه روانه ساخت، نزد خواهرش سکینه آمد و ماجرای دعوت کوفیان و فرستادن مسلم را به سوی کوفه، برای او شرح داد و افزود: به مسلم گفته ام که حوادث را گزارش دهد تا در صورت آمادگی مردم کوفه، به سوی آن شهر حرکت کنیم.

سپس امام حسین (ع) به خواهرش سکینه فرمود: (( خواهرم برخیز و وسایل سفر به سوی کوفه را فراهم کن، و اهل بیت را برای کوچیدن به طرف کوفه آماده ساز. ))

وقتی حضرت سکینه علیها السلام برادرش امام حسین (ع) را در آن حال دید، و مشاهده کرد که قطرات اشک از دیدگان امام (ع) بر گونه هایش سرازیر است، بی اختیار گریست و به امام حسین (ع) عرض کرد: «

....» ( برادرم خداوند چشمت را جز در حال خشیت الهی نگیریاند. اکنون آغاز سفر است. ( صبر کن تا ) آماده شویم و ماه محرم فرا رسد. می خواهیم عاشورا را در کنار خانه خدا کعبه معظمه بسر بریم. در این هنگام که سکینه(ع) این سخن را می گفت، دوازدهم ماه ذیقعدده بود. وی عرض کرد: برادرم ما را در همین جا ( کنار کعبه) نگه دار تا در مراسم حج در عرفات شرکت کنیم و سپس روز قربانی را در منی باشیم و پس از آن، ایام عاشورا را در مکه کنار خانه خدا بگذرانیم. من مسافرت در این ماههای حرام را به فال نیک نمی گیرم، چرا که از جدم رسول خدا (ص) شنیدم که فرمود: «

خون حسین در ماه محرم ریخته می شود). بنابراین، ای برادرم صبر کن تا ماه محرم به پایان رسد تا قلبم از گزند دشمنان فرو مایه ات آرام گیرد. امام حسین (ع) به سکینه(ع) فرمود:

« ای

خواهرم من نیز همین سخن را از جدم رسول خدا (ص) شنیده ام. ولی گفتگو در این مورد بی فایده است، زیرا اهل کوفه و عراق مرا به خدا و پدر و جدم سوگند داده اند که در همین سال در میان

آنها حاضر شوم، و گرنه در قیامت در پیشگاه خداوند از من شکایت می کنند، آن وقت من در جواب شکایت آنها در پیشگاه خداوند مقتدر آگاه چه بگویم؟ ... و اگر بنا است در همین محرم کشته شوم، چاره ای جز آن نیست که در برابر مقدرات الهی تسلیم شوم. برخیز و وسایل سفر را آماده کن، و در هر امری به خدا توکل می کنیم.

سکینه(ع) عرض کرد: « برادرم ساعتی صبر کن تا شانه ای را که در نزد من هست، بنگرم، که آن نشانه دلیل آن است که خونت ریخته می شود و آن را جبرئیل از سوی خدا نزد پیامبر (ص) آورده است.»

امام حسین (ع) فرمود: خواهرم آن نشانه چیست؟ مقداری خاک سفید نزد جدمان رسول خدا (ص) آورد و عرض کرد: ای محمد این خاک را بگیر، که پسرت حسین(ع) از این خاک آفریده شده، و خونسش بر همین خاک ریخته می شود. هنگامی که ایام کشته شدنش نزدیک شد، این خاک، سرخ می گردد، و خون از آن چکیده می شود. رسول خدا (ص) آن خاک را از جبرئیل گرفت و به فاطمه زهرا علیها السلام داد، و من این خاک را از فاطمه زهرا(ع) گرفته ام و نزد خود حفظ کرده ام، صبر کن تا آن خاک را بنگرم که آیا به حال خود باقی است یا رنگش تغییر کرده است؟

حضرت سکینه(ع) پس از این سخن، بی درنگ برخاست و آن خاک را از کیسه ای که در نزدش بود، بیرون آورد و آن را همچون

عقیق سرخ یافت که خون از آن می چکید، آن را نزد برادرش امام حسین (ع) آورد و عرض کرد: ای ابا عبدالله به این خاک بنگر. وقتی امام حسین (ع) به آن خاک نگریست، گفت:

»

ای خواهرم اگر این امر از مقدرات الهی است، چاره ای نیست جز اینکه واقع شود. همه امور از آن خدا است، بنابراین، آماده سفر به سوی عراق باش، که خواست و تدبیر از آن خداوند است. این سخن برای سکینه علیها السلام بسیار دشوار آمد. هماندم برخاست و در حالی که قطرات اشک از چشمانش سرازیر بود، اشعار زیر را سرود و خواند<sup>۱</sup>:

### در موقع خروج کاروان حسینی از مکه

بدانید که شوق، قلبم را فرا گرفته  
و جاری شدن اشکهایم از احساساتم است.

وقتی که کاروان برای حرکت آماده شدند  
به چشمم گفتم بجای اشک، خون بگیرد

<sup>۱</sup> - نورالعین اسفرائنی، ص ۹ و ۱۰.

اگر به مراد رسیدم، ای چشم اشکها گوارایت باد  
اگر وضع، نامساعد شد کوری شایسته تو است.

هان ای قلب آن محبت سرشار را از یاد نبر  
روزگاری که زندگی ما با خوبی ادامه یابد.

اصابت تیر فراق ما را غافلگیر کرد  
شراب جدایی جرعه برکام ما ریخت

هان ای منادی کاروان در تاریکی شب  
و ای راهرو بیابان در شب تیره.

چون که امروز به خانه دوستانم رسیدی  
سلام مرا به آنها برسان و (ماجرایم) را بگو  
در همین کتاب آمده است که مذاکراتی نیز در اعتراض به  
عبداله ذبیر داشته است که چرا به کربلا نمی آید.  
۷- ابواسحاق اسفرائینی در همان کتاب ( نورالعین) نقل می کند:  
روز عاشورا صدای ذوالجناح در بازگشت از میدان آنچنان بلند بود  
ک سراسر فضای کربلا را فرا گرفت. اهل بیت (ع) در میان خیمه

ها بودند. هنگامی که زینب (ع) شیون و شیهه ذوالجناح را شنید، به سکینه (ع) فرمود: « ذوالجناح با صاحبش آمده و با خود آب آورده است. برخیز از آن آب بنوش.»

سکینه (ع) برخاست و از خیمه بیرون دوید، ناگهان ذوالجناح را بی صاحب دید، در حالی که با شیون بلند شیهه می کشید و از شهادت امام حسین (ع) خبر می داد.

در این هنگام، سکینه در حالی که می گریست، فریاد زد: وای از غریبی وای بر من از کشته شدن حسین ای وای حسین جان این حسین است در میان دشمنان که عمامه و لباسش را به غارت برده اند، سرش را از بدن جدا کرده اند، و بدنش پاره پاره، بر روی خاک افتاده است، و مال و اهل و عیالش اسیر دست دشمن شده و دچار سوگ جانسوز گشته اند. ای غریبی که دادرسی نداری و ای مجروحی که درمان نمی شوی.

سپس حضرت سکینه متوجه ذوالجناح شد و اشعار جانسوز زیر را خطاب به ذوالجناح سرود و خواند:

وای بر تو ای اسب پر میمنت با شتاب باز گرد  
به ما خبر بده از مقدرات که چه بر سر ما آمد؟

ای پر میمنت به ما بگو سبط پیغمبر را کجا گذاشتی ؟  
و آن شخص که حامل مقام امامت بود، کجاست؟  
!

ای پر میمنت حسین را پشت سر نهادی و برای ما نیست  
سرپرستی که بار سنگین مسؤولیت ما را بر عهده گیرد.  
!

ای پر میمنت حسین را وا گذاشتی و آمدی  
و با شیون، تنها به خیمه ها آمده ای

ای پر میمنت آیا آقای ما حسین را سیراب کردی  
او که در میان دشمنان در میان خون افتاده

ای پر میمنت آیا خود را فدای حسین (ع) کردی  
و از روی و دوستی ، خود را نثار صاحبیت حسین (ع) نمودی.

ای پر میمنت ولی ما را در میان دشمنان گذاشتی  
و در میان خاک و خون نهادی

ای پر میمنت برگرد، و سخن ما را نشنو  
اگر او را با خود آوردی، از دوستی ما بهره مند خواهی شد

ای برادر با فقدان تو بی سرپرست شدم  
و پس از عزت و شوکت بی نوا گشتم

برادر جان پس از تو چه کسی را بنگریم برادرم  
که از حریم ما در حضور مردم دفاع کند

برادر جان چه کسی را بنگریم که ما را حمایت و یاری کند  
که امروز، عزم و چاره مرا در هم شکسته<sup>۱</sup>  
هنوز اشعار جانسوز حضرت سکینه (ع) تمام نشده بود که  
همه بانوان حرم شیون زنان از خیمه های خود بیرون آمدند، و با  
سوز و گداز جگر خراش فریادشان به واحسیناه بلند بود و می  
گریستند. چنانکه ملاحظه می کنید، در این قطعه اشعار جانسوز،  
در سه شعر آخر، چهار بار، واژه «یا اخی» (ای برادرم) آمده است  
که دلالت دارد بر اینکه این سکینه که اشعار فوق را خطاب به

<sup>۱</sup>-نورالعین اسفرائینی، ص ۶۳.

ذوالجناح گفته، خواهر امام حسین (ع) و دختر امیر مؤمنان علی (ع) است، نه دختر امام حسین (ع).

#### ۱۰- نام سکینه بعنوان خواهر امام حسین در اشعار ام کلثوم

در همین کتاب نورالعین اسفرائنی آمده است هنگامی که اهل بیت بازمانده امام حسین (ع) و شهدای کربلا به سوی مدینه مراجعت می کردند، وقتی که به نزدیک مدینه رسیدند و دیوارهای مدینه پیدا شد، حضرت ام کلثوم (ع) اشعاری جانسوز خواند. این اشعار از چهل بیت تشکیل شده و در یکی از ابیات<sup>۱</sup> آن از سکینه (ع) یاد شده است که از امام حسین (ع) بعنوان برادر استمداد می کند. قسمتی از آن اشعار چنین است:

ای مدینه جد ما، ما را نپذیر ،  
چرا که ما با حسرتها و اندوهها آمده ایم.

هنگامی که از تو خارج شدیم، بر مرکبها سوار بودیم  
و اینک مایوس و غمگین آمده ایم.

۱- بیت هفتم از اشعار مذکور

مولای ما حسین (ع) انیس و همدم ما بود،  
و اینک بدون حسین (ع) و یاور بازگشته ایم.

و ما گریان بر حسین (ع) هستیم  
و برای او ناله می کنیم و اشک می ریزیم

به حریم ما اهانت کردند  
و ما را آشکارا بر شتران بی جهاز سوار نمودند.

زینب را از خیمه اش خارج ساختند  
و برای فاطمه یآوری نبود

سکینه از داغی اندوهبار شکایت می کرد  
و فریاد می زد: ای برادرم بر ما جور کردند.

همه ما را در شهرها به گردش در آوردند  
و ما را اندوهگین بین مردم در آوردند.

---

این است قصه و شرح حال من  
ای مسلمانان برای مصائب ما گریه کنید.

---

زیارتنامه حضرت سکینه بنت علی (ع)

در اینجا به نام تعدادی از زیارتگاههای منسوب به اهل بیت در سراسر ایران اسلامی وجود دارد توجه فرمائید. این زیارتگاه ها در شهرهای مختلف آنهم با این تعداد بیانگر توجه شیعیان به اهل بیت است و چه بسا تعداد زیادی از این مراقد از نوادگان بسیار دور ائمه باشند که فقط از نوادگان اهل بیت تلقی می شوند و بعنوان مثال حضرت عبدالعظیم حسنی (ع) که در شهر ری مدفون است و آنقدر از ایشان کرامات مشاهده شده است که سید الکریم نامبرده شده اند. فرزند امام حسن (ع) هستند با ۴ واسطه یعنی حد چهارم آنها فرزند امام حسن بوده است با این حساب ارتباط سایر امام زاده باید کاملاً روشن می شود.

